



## بیانات در دیدار مردم سقز - 29 اردیبهشت/ 1388

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمد و على اله الأتبيين و صحبه المنتجبين سيما بقية الله في الأرضين

بسیار خرسندم که در این جمع متراکم، با شکوه و پر شور، امروز توفیق پیدا کردم که حضور پیدا کنم. اگر چه من قبلاً به شهر زیبای شما مسافرتی نکرده بودم، اما راجع به سقز و مردم شجاع و دلاور آن و روحیه های برجسته و پر شور آن مطالب زیادی خوانده و شنیده و دانسته ام. مردم سقز در تجربه ی طولانی سی ساله ی انقلاب اسلامی، در حساس ترین نقاط و مراکز، امتحانهای دشواری را بخوبی از سر گذراندند و نمره ی قبولی گرفتند. شاید بسیاری از مردم کشور ما و بسیاری از جوانان نسل امروز هم ندانند که در جنگ تحمیلی، در حساس ترین مراکز این جنگ و دشوارترین مراحل آن، جوانان سقز در صفوف مقدم مشغول دفاع و مشغول مبارزه بودند. در جزیره ی مجنون، جوانان دلاور سقز و مریوان و بقیه ی نقاط کردستان در کنار دیگر رزمندگان در صفوف اول، مشغول مقاومت جانانه ای بودند که هر کس از عملیات خیبر و عملیات بدر در سالهای اول جنگ تحمیلی مطلع باشد، میدانند که این چقدر اهمیت دارد.

امروز در جمع شما برادران و خواهران عزیز سقزی، من لازم میدانم از همه ی مردم این شهر و شهرستان به خاطر این مواضع روشن و افتخارآمیز صمیمانه تشکر کنم. و همین جا از فرصت استفاده کنم نسبت به مردم عزیز شهر بانه که شخصاً توفیق پیدا نکردیم به آنجا و دیگر شهرستانهای این استان مسافرت کنیم و مردم آن شهرها را از نزدیک ملاقات کنیم، سلام بفرستم و توفیقات الهی را برای همه ی آنها مسئلت میکنم. مسئله ی حساس و مهمی که دشمنان نظام اسلامی و دشمنان اسلام در مقابل آن درماندند و نتوانستند برای آن پاسخی پیدا کنند و علاجی به دست بیاورند، این است که در دنیای اسلام، در میان این جمعیت عظیم کشورهای اسلامی، همه ی متفکران، همه ی اندیشمندان، همه ی برجستگان دینی و دانشگاهی، نظام جمهوری اسلامی را یک پاسخ به دعوت اسلام و پرچم برافراشته ی اسلام را یک افتخار برای دنیای اسلام دانستند. در آغاز پیروزی انقلاب، سیاستگذاران و طراحان سیاسی استکبار امیدوار بودند بتوانند با توجه به اختلاف مذهبی در دنیای اسلام، میان نظام جمهوری اسلامی و ملت‌های مسلمان و کشورهای مسلمان فاصله بیندازند. این توطئه اگر چه نسبت به بعضی از دولت‌های وابسته ی به استکبار تا حدودی کارگر افتاد، اما نسبت به ملت‌ها ابداً متفکران دنیای اسلام از اینکه یک نظام سیاسی بر اساس احکام قرآن و شریعت اسلامی، با استقلال و عزت کامل در این نقطه از جغرافیای حساس خاورمیانه شکل گرفته است، احساس افتخار کردند و این را به خود ما در طول این سال‌های گذشته، متفکران، صاحبان اندیشه، علمای بزرگ، دانشگاهیان برجسته ی مؤمنی از کشورهای عربی، از شمال آفریقا، از شبه قاره ی هند، از کشورهای دوردست آسیا - کشورهای مسلمان - تصریح کردند، به ما گفتند که ما به وجود جمهوری اسلامی افتخار میکنیم. این در حالی است که تفاوت مذهبی هم وجود داشت. دشمن امید بسته بود به اینکه این تفاوت مذهبی شکاف ایجاد کند، اما متفکران مسلمان، توده های مؤمن، با اندیشه ی راسخ خود، با عزم راسخ خود، دشمن را مأیوس کردند.

عین همین اتفاق در داخل کشور خود ما افتاد برادران و خواهران عزیز! در همین منطقه ی کردستان. امروز هشتمین روزی است که من در میان مردم عزیز شهرهای کردستان و طبقات مختلف در رفت و آمد؛ با مجموعه های عظیم مردمی ملاقات کردم، با نخبگان و فرزندان استان ملاقات داشته ام، با سران عشایر و متنفذان عشایر گوناگون کردی در سرتاسر کردستان و منطقه ی کردی ملاقات داشتیم، با جوانان دانشجو در جمعیت انبوه متراکم دانشگاه ملاقات



داشتیم؛ در همه ی این دیدارها، اصرار من بر این بوده است که در آن جمعهای صمیمی - بدون حجاب، بدون واسطه - سخن دل را از زبان مجموعه های عظیم مردمی و نیز از زبان فرزندگان و زبندگان و نخبگان بشنوم. آنچه من در این ساعات متمادی و پی در پی در سراسر این استان شنیدم، ندای عزتمند اسلامی و وفاداری به اسلام و به نظام اسلامی و حاکی از روحیه ی بسیار ارزشمند مردم این استان است. درست آن چیزی که دشمن عکس آن را میخواست، در مواجهه ی رو به رو با مردم این استان، عکس خواسته ی دشمن ثابت شد. این برای من تازگی نداشت. من سالهاست که با جوانان کرد، با رزمندگان کرد، با مردم کرد از نزدیک آشنا بوده ام. صمیمیت مردم کرد را، محبت و وفاداری مردم کرد را، شجاعت و دلاوری مردم کرد را من از نزدیک شناخته بودم، دانسته بودم؛ برای من تازگی نداشت. اما این برای من مهم است که علی رغم خواست دشمنان ملت ایران و تبلیغات آنها، در صفحه ی تلویزیون این احساسات پاک و پرشور، این وفاداری عمیق، این روشن بینی، این آگاهی، این یکپارچگی، هم به همه ی ملت ایران و هم به دوستان و دشمنان فرامرزی ما نشان داده بشود، و این کار شد.

خدا را سپاسگزاریم که مردم کرد و استان کردستان با عمل خود، با حرکت خود، با حضور پر شرافت خود، به دشمنان ملت ایران نشان دادند که ترفندهای آنها در تکه تکه کردن ملت ایران و اقوام ایرانی، به وسیله ی مردم کرد خنثی شد؛ این یک نکته ی بسیار اساسی است. من لازم میدانم از همه ی گروه های مردمی در این آخرین ساعاتی که در این استان هستم، صمیمانه تشکر کنم، بگویم شما نقش خود را بخوبی ایفا کردید. این نمایش عظمت ملت ایران است. به عموم ملت ایران از اقوام گوناگون هم بگویم مبدا به اشتباه بیفتند، مبدا رفتار گروه های اندک شمار - که پنجه به چهره ی انقلاب و جمهوری اسلامی میزدند - به حساب این مردم عزیز، این جمعیت انبوه، این دلهای وفادار نوشته بشود. تعداد معدودی انسانهای شیرین یا فریب خورده که در هر نقطه ای پیدا میشوند - در کردستان و در غیر کردستان - حساب اینها از حساب متن مردم عزیز این استان بکلی جداست. همچنانی که حساب ضد انقلابی که در فلان استان دیگر کشور، در خراسان یا اصفهان یا فارس یا هر نقطه ی دیگر وجود دارد، به حساب مردم آن استان گذاشته نمیشود. دشمن این را میخواست تلقین کند؛ این را میخواست به ملت ایران نشان بدهد. آنها میخواستند این جور وانمود کنند که در این استان امنیت نیست. ملت ایران می بینند در مقابل چشمشان که به برکت همت شما مردم و آگاهی شما مردم و فداکاری جوانان دلاور، امروز این استان از امنیت کامل برخوردار است.

من در همین جا باید یاد جوانان دلاور پیشمرگان مسلمان کرد را گرامی بدارم. این مردان دلاور از جوان و پیر که از روزهای اول و سالهای اول پیروزی انقلاب، اینجا قیام کردند و در مقابل دشمن که نظیر فداکاری آنها را ما کمتر در هر نقطه ی دیگری دیده ایم، ایستادند. دلیلش را عرض بکنم؛ چون سخن به گراف نمیخواهیم بگوئیم. حقیقت قضیه این است که برادر بسیجی یا پاسدار در هر نقطه ای، در هر استانی، در چشم مردم با یک عظمتی مورد توجه قرار میگیرد؛ مردم در سایه ی امنیت او احساس امنیت میکنند. جوان پیشمرگ مسلمان کرد در این نقطه و بخصوص در مناطق نزدیک مرز، در حالی که خود حافظ امنیت کوچه و بازار و شهر و بیابان بود، دشمنان از او انتقام میگرفتند؛ گروه های مسلح مزدور دشمن به انتقام رشادتهای این جوانان، حتی گاهی خانواده های آنها را از دم تیغ بیرحمانه ی جنایت خودشان گذراندند، اما این مردان شجاع در مقابل این مشکلات ایستادند، صبر کردند؛ لذاست که من از صمیم قلب معتقدم که جوانان دلاور پیشمرگان مسلمان کرد، در شمار اول و در صف مقدم دلاوران این کشور قرار دارند.

درباره ی امنیت عرض کردم، درباره ی آگاهی شما مردم گفتم؛ اینها حقایقی است. یعنی مردم استان کردستان و جوانان دلاور آن، خودشان زمینه های امنیت را در این استان فراهم کردند، جوانان فداکار مناطق دیگر هم به کمک اینها آمدند و توانستند نقشه ی دشمنان را خنثی کنند؛ این یک حقیقتی است. اما در عین حال من میخواهم عرض کنم این آگاهی را باید مردم عزیز کرد حفظ کنند؛ هیچ غفلت نباید کرد. امیرالمؤمنین در کتاب نهج البلاغه



میفرماید: «من نام لم ینم عنه»؛ یعنی اگر شما غفلت کردید، دشمن شما لزوماً غفلت نخواهد کرد؛ مراقب دشمن باید بود. این مخصوص اینجا هم نیست. این توصیه‌ی ما به همه‌ی مردم کشور و همه‌ی قشرهای فعال و آگاه و هوشیار کشور است: باید آگاهی‌ها را حفظ کنید. دشمن اگرچه که امروز مثل روزهای اول انقلاب نیست که دیگر امید داشته باشد به اینکه میتواند ریشه‌ی این انقلاب را بزند؛ نه، آن روز امیدوار بودند بتوانند انقلاب را، جمهوری اسلامی را نابود کنند، امروز مایوسند؛ چنین امیدی امروز ندارند، می‌بینند این درخت تناور ریشه دوانده است؛ اما از کید آنها غافل نباید بود.

من به طور قاطع این را می‌گویم: متأسفانه در پشت مرزهای غربی ما، آمریکائی‌ها مشغول توطئه‌اند، مشغول تروریست‌پروری هستند. پول، سلاح، سازماندهی، تشکیلات به وسیله‌ی آمریکائی‌ها به طور مستقیم در پشت مرزهای غربی کشور ما صرف میشود برای موزیگری کردن و پنجه انداختن و معارضة کردن با نظام جمهوری اسلامی؛ باید بیدار باشیم.

ما اطلاع داریم - اینها تحلیل نیست، اطلاع است - آمریکائی‌ها طرحهای خطرناکی برای کردستان دارند؛ هدفشان دفاع از قوم کرد نیست؛ هدف پنجه انداختن و سلطه یافتن بر قوم کرد است؛ این را ما از روی اطلاع میدانیم؛ اینها تحلیل نیست، اطلاع است. دوستان کرد ما در آن سوی مرزهای غربی به ما اطلاع دادند و اطلاع میدهند افسران آمریکائی پول میبرند بالای بلندی‌های «قندیل»، به قیمت خون جوانان کرد از آنها اطلاعات میگیرند؛ پول میدهند برای مزدورسازی. این شأن جوان کرد نیست. به هر جا بتوانند دست میزنند، دست می اندازند، برای اینکه بتوانند پنجه‌ی ننگین و خونین خود را در پیکر مردم کرد فرو ببرند. ملت ما و کرد ایرانی، بحمدالله هشیار است و من این را هم بگویم: جماعت کرد و قوم کرد حتی در غیر ایران هم غالباً خودشان را ایرانی میدانند؛ به ایرانی بودن خودشان افتخار میکنند. اگر کسانی از کردهای بیرون ایران در خدمت هدفهای آمریکا قرار میگیرند، بدانند که ممکن است در کوتاه مدت چیزی گیرشان بیاید، اما در بلندمدت نفرین و لعنت قوم کرد آنها را تعقیب خواهد کرد و رهایشان نخواهد کرد. این هوشیاری‌ها را باید حفظ کنید. هشیاری فقط در این زمینه نیست. در زمینه‌ی اختلافات درونی خود ما هم، همه باید هوشیار باشند. من در سندج هم در روز اول - سه شنبه‌ی گذشته - گفتم، اینجا هم باز تکرار میکنم: مذاهب اسلامی باید دست در دست هم، برادروار در جهت اهداف و آرمانهای بلند اسلامی به کمک هم حرکت کنند. دشمن امید بسته است که بتواند پیروان مذاهب گوناگون را مقابل هم قرار بدهد. هیچ کس نباید تسلیم این نقشه‌ی خائنانه و خباثت آمیز دشمن بشود. آنها میخواهند شیعه در مقابل سنی، سنی در مقابل شیعه، دلها از هم چرکین، نسبت به هم بدبین؛ آنها این را میخواهند. برای همین است که من اعلام کردم، باز هم تأکید میکنم: خط قرمز از نظر نظام اسلامی و از نظر ما، عبارت است از اهانت به مقدسات یکدیگر. آن کسانی که نادانسته، از روی غفلت، گاهی از روی تعصبهای کور و بیجا، چه سنی و چه شیعه، به مقدسات یکدیگر توهین میکنند، نمیفهمند چه میکنند. بهترین وسیله برای دشمن همینها هستند؛ بهترین ابزار در دست دشمن همینها هستند؛ این خط قرمز است. سنی و شیعه هر کدام مراسم مذهبی خودشان را، آداب خودشان را، عادات خودشان را، وظایف دینی خودشان را انجام میدهند و باید بدهند؛ اما خط قرمز این است که نباید مطلقاً بین اینها به خاطر اهانت به مقدسات - چه آنچه که از سوی بعضی از افراد شیعه از روی غفلت صادر میشود، چه آنچه که از روی غفلت از بعضی از افراد سنی مثل سلفی‌ها و امثال اینها صادر میشود که یکدیگر را نفی میکنند - چیزی بیان شود. این همان چیزی است که دشمن میخواهد. اینجا هم باید هوشیاری باشد.

من در این چند روز - که البته قبل از آن گزارشهای زیاد و اطلاعات زیادی در زمینه‌ی مسائل این استان به دست آورده بودم - هم در دیدارها، با شنیدنها، با دیدنها، مطالب متعددی را از زبان انسانهای دلسوز و علاقه‌مند در مورد مسائل کردستان شنیدیم یا در گزارشهای مکتوب خواندیم یا به چشم بعضی چیزها را دیدیم. نیازها در اینجا زیاد



است. در روز اول هم من گفتم، امروز هم به همین نتیجه میرسم که مهمترین نیاز این استان عبارت است از اشتغال که با سرمایه گذاری های صنعتی و کشاورزی در این استان بایستی تأمین بشود. آنچه که ما به مردم استانهای دیگر عرض میکنیم، این است که اینجا، این سرزمین ثروتمند و غنی، با این مردم مؤمن و جدی، با این همه جوان خوب، زمینه ی بسیار خوبی است برای سرمایه گذاری. اگر يك روزی فکر میکردند در اینجا امنیت نیست، آن روز دیگر تمام شده است. امروز بحمدالله در اینجا امنیت مستقر است؛ امنیت خوبی اینجا وجود دارد؛ میتواند بیایند سرمایه گذاری کنند. دولت هم تسهیلات میکند، تشویق میکند.

در مورد مسائل اینجا و نیازهای اینجا، مصوبات دو سفر استانی هیئت دولت به استان کردستان به اضافه ی آنچه که در این سفر به وسیله ی دست اندرکاران سفر - دولتی و غیر دولتی - مطالعه شد، بررسی شد، اگر ان شاءالله همین مصوبات اجرائی بشود و همه تحقق پیدا کند، عمده ی مشکلات این استان برطرف خواهد شد. توصیه ی ما به مسئولین این است که به طور جدی تحقق این خواسته ها و مصوبات را دنبال کنند. بحمدالله استان از مدیریت دولتی خوبی برخوردار است؛ مدیریت استان، مدیریت باکفایت و خوبی است. هم در اینجا بایستی این مصوبات به طور جدی دنبال بشود، هم من از همینجا به مسئولین در مرکز این را اعلام میکنم که باید به طور جدی سعی کنند همان مصوباتی را که انجام گرفته است، به مقام تحقق و عمل برسانند.

آنچه که به عنوان خواسته مطرح میشود، غالباً مطالب معقول و قابل قبول و منطقی است. آنچه به عنوان خواسته های مربوط به این استان از زبان نخبگان شنیدیم، از زبان دانشجویان شنیدیم، از نامه های فراوان مردمی که در این سفر دست ما رسید، فهمیده شد، آنچه به عنوان مطالبات مردمی مطرح است، غالباً مطالبات منطقی ای است؛ مطالبات درستی است و همان طور که عرض کردیم، اگر مصوبات آن دو سفر - سفر دولت - و همچنین مصوبات این سفر، به توفیق الهی اجرائی و عملیاتی بشود، اغلب این مطالبات برآورده خواهد شد. البته در بعضی از جاها انسان مشاهده میکند که سطح توقعات را به شکل نامعقولی بالا میبرند؛ این درست نیست. توقعات و مطالبات مطلوب، همان چیزی است که در اظهارات مسئولین استان، ائمه ی محترم جمعه، در نامه های مردمی، در گفتار نخبگان که با ما در میان گذاشتند، دیده میشود؛ اینها درست است. اما بعضی جاها انسان می بیند فهرستی درست میکنند از مطالبات نامعقول، غیر عملی؛ اینها جز اینکه دستگاه قادر نباشد به تحقق آن و ذهن مردم را گمراه و اغواء کند، اثر دیگری ندارد. توقعات معقول و منطقی همان چیزی است که از زبان مردم انسان میشوند، در نامه های مردمی انسان می بیند، نخبگان هم همانها را تکرار کردند. خدا را سپاسگزارم؛ آنچه که در این سفر گفته شد خطاب به مسئولان و خطاب به آحاد مردم، چیزهائی است که به اعتقاد ما از متن واقعیت برخاسته بود.

من میگویم زبان کردی يك ثروت ملی است، استعدادهای علمی و هنری جوانان اینجا يك ثروت ملی است، استعداد ورزشی جوانان کردستان يك ثروت ملی است؛ از این ثروتهای ملی باید استفاده بشود، بهره برداری بشود، به فعلیت برسد.

خدا را سپاسگزاریم که مسئولین با دلسوزی، مسائل مردم استانهای مختلف را دنبالگیری میکنند؛ من این را مشاهده میکنم، می بینم. مسئولین دولتی چه در سفرهائی که میکنند - سفرهای استانی - چه در تصمیم گیری های دیگر، من می بینم از نزدیک، با دلسوزی مسائل مردم را دنبال میکنند. امیدواریم ان شاءالله با همین روحیه، با همین دلسوزی مسائل کردستان دنبالگیری بشود. ما هم البته از آنها پاسخگوئی خواهیم خواست و آنچه را که قرار است انجام بگیرد، مطالبه میکنیم و امیدوارم به فضل الهی آینده ی کردستان مانند آینده ی این کشور عظیم، از امروز بسیار بهتر و سربلندتر و عزیزتر باشد. امروز بحمدالله با دیدار شما آخرین روز سفر ما به کردستان، روز بسیار شیرین و مطلوبی بود.

پروردگارا! این جوانان برومند و عزیز را برای کردستان، برای کشور عزیز ایران حفظ کن؛ توفیقات خودت را شامل



حال آنان بگردان. پروردگارا! گره ها را از کار مردم ما در همه ی نقاط کشور و در این نقطه باز کن. پروردگارا! روزبه روز عزت ملت ایران را در مقابل ملتهای دیگر و در مقابل زورگویان و قلدان افزایش بده. پروردگارا! ما را بندگان صالح و شایسته ی خودت قرار بده؛ آنچه گفتیم و آنچه شنیدیم، به کرمت از ما قبول کن؛ و توفیق عمل به ما ارزانی بدار.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته